

نبرد زن

نشریه

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

فصلنامه زنان دور اول شماره شانزدهم اسد ۱۳۹۱ (August 2012)

"خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها کنیم!"

یکی از بهانه های فریب کارانه امپریالیست های امریکائی وانگلیسی برای تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور، از بین بردن شئوونیزم غلیظ مرد سالارانه امارت اسلامی طالبان و تامین حقوق زنان بود... علاوه تا ادعای مذکور به خاطری یک بهانه فریبکارانه بود که آنها به جای امارت اسلامی طالبان، رژیم دست نشانده ای را روی کار آوردند که نیروها و شخصیت های مرد سالار شونیزم، بخش اعظم ترکیب آترتاشکیل داده اند. بیش این نیروها و شخصیت های ارتجاعی و اساس سیاست های شان، صرف نظر از تفاوت های جزئی، در واقع همان بینش و سیاست های طالبان است. به همین جهت با اشغال افغانستان توسط امپریالیست های امریکائی و متحدین شان و روی کار آمدن رژیم دست نشانده آنها، مسئله زنان به مثابه گروگانی در دست اشغالگران و رژیم پوشالی برای توجیه اشغال کشور و خیانت ملی مورد استفاده قرار گرفت، بدون اینکه کدام تفاوت اساسی در وضعیت توده های وسیع زنان بوجود آمده باشد.

البته هویداست که یک قشر کوچک زنان خیانت پیشه، توسط اشغالگران و رژیم پوشالی پرورنده شده و بصورت نمایشی بروی صحنه آورده شده است تا زن ستیزی بنیادگرایان حاکم در رژیم دست نشانده را بیوشاند و سندی گردد برای ثبوت ادعاهای فریبکارانه تامین حقوق زنان. افراد شامل در این قشر کوچک پرورنده شده توسط اشغالگران و رژیم دست نشانده، نه تنها به وزارت و وکالت رسانده شده اند، بلکه به مثابه سرمایه داران دلال تازه به دوران رسیده به بازار راه یافتند.

اما در مقابل این قشر کوچک دست پرورده، توده های وسیع زنان قرار دارند که وضع شان با دوره امارت اسلامی طالبان کدام فرق اساسی نکرده است... جنبش زنان یک جنبش مبارزاتی حق طلبانه و عادلانه ضد شئوونیزمی و ضد ستم است و نباید اجازه داد به مثابه گروگانی توسط اشغالگران و خائنین ملی مورد سوی استفاده قرار گیرد... اکیدا باید خاطر نشان سازیم که این جنبش مبارزاتی ولو اینکه نهایتا در تابعیت از وظیفه مبارزاتی عمده یعنی مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و خائنین ملی، پیش برده شود، اما در هر حال یکی از مبارزات مهم در سطح کل جامعه بوده و هرگز نباید به فراموشی سپرده شود و هرگز نباید به عنوان یک وظیفه مبارزاتی حاشیه یی در نظر گرفته شود.

صفحه

فهرست مطالب مندرج در این شماره :

۱. گزارش محفل تجلیلیه ۲۸ اسد ۲
۲. افتتاحیه ۲
۳. دونیای نو ۳
۴. بیست و هشتم اسد... تجدید پیمان ما با شهداء و جانباختگان راه استقلال و آزادی کشور است ۵
۵. مام وطن قسم (دکلمه) ۷
۶. بیست و هشتم اسد... را گرامی میداریم ۸
۷. لمړی سرود ۱۱
۸. بحر انهایی که امپریالیستها به آن گرفتار اند با ۱۲
۹. چگونه زندگی کردن ز آهوان آموختن (دکلمه) ۱۴
۱۰. انقلاب (دکلمه) ۱۵

گزارش

تجلیل از بیست و هشتم اسد سالروز استرداد افغانستان

بیست و هشتم اسد سالروز استرداد افغانستان در روز پنجشنبه بیست و هشتم اسد با حضور حدود دوصد نفر از زنان و مردان که اکثریت شان را دختران جوان و پسران جوان تشکیل میداد بطور نیمه علنی در شهر... از طرف دسته هشت مارچ زنان افغانستان تجلیل گردید. این محفل از ساعت دو بعد از ظهر شروع گردید و تا ساعت چهار بعد از ظهر ادامه یافت.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان روز استرداد افغانستان را در حالی تجلیل نمود که افغانستان بیش از یک دهه است که از طرف متجاوزین و اشغالگران به رهبری امپریالیزم امریکا اشغال گردیده است. این روز در شرایطی تجلیل گردید که شئونیزم ملی و شئونیزم جنسی با تمام توان و قوت خود از طرف رژیم پوشالی و حامیان امپریالیستی اش اعمال میگردد.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان بیست و هشتم اسد را علیرغم حضور سنگین نیروهای اشغالگر و رژیم پوشالی تجلیل نمود و بر روی خواست های برحق خود تا خروج قهری نیروهای اشغالگر تاکید ورزید.

محفل با قرائت افتتاحیه آغاز گردید و به تعقیب آن مقالات، اشعار و سرودهای انقلابی از طرف دختران جوان به خوانش گرفته شد. محفل علاوه بر محکوم نمودن تجاوز و اشغالگری امپریالیست ها، امضای سند ننگین "پیمان استراتژیک" را نیز محکوم نموده و این سند را به معنی واقعی آن سند بردگی و میهن فروشی خواند. این حرکت و عمل کرد دسته هشت مارچ زنان افغانستان با کف زدن های ممتد از طرف حاضرین مجلس مورد استقبال قرار گرفت.

در این محفل تقریباً اشتراک کننده های مرد و زن با هم مساوی بود، هم چنین محفل از ملیت های مختلف تشکیل گردیده بود و دو سرود انقلابی یکی به زبان پشتو و دیگری به زبان دری از طرف دسته هشت مارچ زنان افغانستان به طور زنده ارائه گردید. در اخیر، قطعنامه محفل توسط یکی از اعضای دسته هشت مارچ زنان افغانستان قرائت گردید و به تعقیب آن گرداننده محفل با اظهار امتنان از شرکت کنندگان، ختم محفل را اعلام نموده و محفل به کار خویش پایان داد.



افتتاحیه محفل ۲۸ اسد سال ۱۳۹۱

خانم ها و آقایان سلام

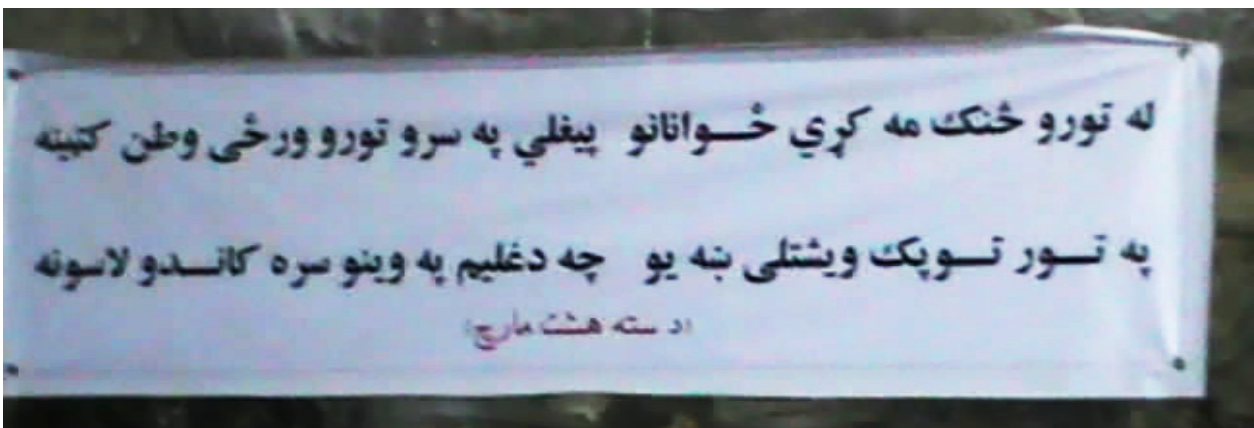
قبل از همه تشریف آوری شما عزیزان را در محفل تجلیلیه ۲۸ اسد سالروز استرداد افغانستان خیرمقدم میگویم یکبار دیگر روز استرداد افغانستان فرا رسید. دسته هشت مارچ زنان افغانستان میخواهد که در کنار شما هم گام و هم صدا شده و رویاهای هزارساله را برای آزادی واقعی کشور با شما فریاد کند.

میخواهیم فریاد کنیم که آزادی و برابری جز از راه مبارزه، اتحاد و همبستگی زحمتکشان اعم از زن و مرد بدست نمی آید. شرکت شما عزیزان و بخصوص زنان مایه خوشحالی ماست، زیرا بدون حضور گسترده زنان مبارزو انقلابی هیچ انقلابی به پیروزی نمی رسد.

محفل امروز ما توسط اعضا و فعالین دسته هشت مارچ زنان افغانستان با همکاری جمعی از دوستان ما که همیشه با ما همکاری داشته و دارند تدارک دیده شده که مشتمل بر مقالات، دکلمه ها سرودها است که به سمع شما حضار گرامی میرسد. امیدواریم که تاختم محفل ما را همراهی نمایید.

تشکر، این شما و این هم داشته های برنامه ما !

در آغاز محفل از خواهر ما فرزانه جان تقاضا میکنم تا شعری را که تهیه دیده اند به سمع شما برسانند. تا آمدنش تشویق فرماید.



دونیای نو

کار کدے دونیا تمام آسپل مویه

بسته آلم خانه و آغیل مویه

تو اگه دیغونی، مایوم کارگر

تانی بار مندون مو درد سیل مویه

جور کنی از دیست خو یگ دونیای نو

ای نظامی خونده خور قاتیل مویه

خان و ارباب خون مو ره اوچی مونه
خود شی قاتل، خود شی عزرائیل مویه

مرگ خان و مرگ اربابای ظلم
مرگ دنیائی ستم منزیل مویه

بیزنو که بیرو شونه دنیای ظلم
جور نی از نو آر رقم که دیل مویه

۲۰۱۲/۷/۱۱

فرزانه



سپاس فراوان از فرزانه جان !

وقتی که باید بمیرم، پس چرا زیرلحاف؟
برنیارم خنجر عصیان خود را از غلاف؟

زندگی بامرگ دارد از همیشه ائتلاف
وقتی که تکرار مرگ خویش میبینم چرا

درین قسمت از محفل خانم آرزو به نمایندگی از واحد منطقوی غرب کشور مقاله را به سمع تان میرساند.
ایشان را تشویق نماید.

همرزمان عزیز!

ضمن تبریکی سالروز استرداد استقلال افغانستان از دست استعمار پیر انگلیس، نوشته ذیل را جهت ادای سهم خویش در محفل تجلیبیه امسال ارسال میداریم.

بیست و هشتم اسد، سالروز استرداد استقلال افغانستان

تجدید پیمان ما با شهدا و جانبختگان راه استقلال و آزادی کشور است

و صادق ترین فرزندان خویش را تقدیم نموده اند فرزندان آزادیخواهی که دهلیزهای تاریخ کشور ما را با رشادت ها، دلیری ها، حماسه آفرینی ها و فداکاری های خویش، روشنائی ابدی بخشیدند افغانستان امروزی که یک کشور مستعمره نیمه فئودال است، از ازمینه های قدیم شاهد هجوم و لشکر کشی های اجانب و بیگانگان بوده است از هجوم تورانیان و سپس چادر نشینان بعدی آسیای مرکزی در زمان های قدیم، از حمله کوروش در ۵۳۹ میلادی و سپس حمله کمبوزیا به این کشور، از حمله داریوش سوم که به دست والی باختریان کشته شد، از حمله اسکندر مقدونی که درین کشور با مقاومت حماسی مردم این خطه مواجه گردید، از حمله دولت تانگهای چین در شمال افغانستان در قرن هفتم میلادی و به تعقیب آن حمله اعراب به افغانستان که با استبداد دولت های اموی و عباسی همراه بود، از مقاومت حماسی مردم در مقابل سلطه خارجی و فشارهای ارجاعی طاهر پوشنگی، از حمله مغول در قرن سیزده و مبارزات برحق مردم خصوصا شهر طالقان که جانانه رزمیدند، از حمله امیر تیمور در

نود و سومین سالگرد استرداد استقلال افغانستان را در حالی تجلیل میکنیم که افغانستان به سرزمین پیمان های استراتژیک بدل گردیده است پیمان های متعدد، یکی بعد از دیگری توسط شاه شجاع سوم (کرزی) به امضاء رسید و سند بردگی افغانستان تحت عنوان " پیمان استراتژیک افغانستان و امریکا " بار دیگر اسارت مستعمراتی همه جانبه نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را برای دو دهه دیگر در افغانستان رقم زد و نشان داد که اشغالگران امریکائی و متحدین بین المللی شان طبق یک برنامه دراز مدت بر افغانستان تجاوز کرده و این کشور را مورد اشغال و یورش نظامی شان قرار داده اند و به زودی و به آسانی ازین کشور بیرون نمیشوند مگر با جبر و اکراه که آن هم مستلزم یک مقاومت همه جانبه ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و خائنین ملی است

تاریخ کشور ما به خوبی نشان دهنده آن است که مردمان دلیر و رزمنده و فرزندان آزادیخواه این خطه همیشه و همه وقت بخاطر کسب آزادی و رهائی خویش از دست اشغالگران، بهترین، پاکترین

درین برهه از تاریخ وظیفه تک تک ماست تا با شهیدان و جانبختگان راه استقلال و آزادی، بار بار تجدید عهد و پیمان نماییم و رسالت تاریخی خود را با برپائی مقاومت ملی، مردمی و انقلابی در برابر اشغالگران و خائنین ملی علم نماییم

محفل تجلیه استرداد استقلال افغانستان را باید بخاطر زنده نگه داشتن تاریخ مبارزات و رشادت های مردمان غیور این خطه، بخاطر ادای مسئولیت مان در قبال کشور و مردمان کشور و بخاطر اینکه غرور متجاوزین و اشغالگران فعلی در هم شکسته شود تدویر نماییم

ن ورخ، یو ځل بیا هیواد د امریکایی ځواکونو او د هغه د پلویانو، په سر کی انگریزی لښکرو، تر بنکیلاک لاندې راغلی او زموږ څخه سیاسي، اقتصادي او فرهنگي آزادی اخیستل شوی ده. نو د هیواد ټولو وگړو، نارینه وو او ښځو ته لازم ده چې تر یو واحدې رهبري لاندې را ټول شي او خپل هیواد د آزادی تر پولو پورې ورسوي. دا ځل باید په دغه مبارزه کې ښځې پراخه او فعاله ونډه واخلي. نو موږ د هیواد د ټولو کړیدلو او مبارزو نارینه وو او ښځو څخه غوښتنه کوو چې په دغه مبارزه کې له موږ سره گډون وکړي ترڅو خپل تاریخی رسالت پر ځای کړي.

زنده باد استقلال!

زنده باد آزادی!

شگوفه باد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی!

قرن ۱۶ و ۱۵ میلادی بر افغانستان و سپس حمله انگلیس در ۷ اگست ۱۸۳۹ میلادی، که طی سه جنگ افغان انگلیس نهایتاً در سال ۱۹۱۹ منجر به استقلال افغانستان از دست استعمار پیر انگلیس گردید، از حمله سوسیال امپریالیستها به ششم جدی ۱۳۵۸ به افغانستان که این کشور را به مستعمره خویش بدل ساختند و سپس هجوم و لشکرکشی امپریالیستهای اشغالگر به سردمداری امپریالیزم امریکا در سال ۲۰۰۱ میلادی که بار دیگر افغانستان را به یک کشور مستعمره مبدل ساختند اینچنین تاریخ پر فراز و نشیبی بخوبی میتواند مصائب جنگ اشغالگرانه را بیان نماید و بخوبی میتواند مبارزات آزادیخواهانه فرزندان این مرز و بوم را به تصویر بکشد تاریخ به عنوان شاهد و ملاکی که هیچ ابرقدرتی نتوانسته است در برابر رشادت ها و فداکاری های مردمان این خطه تاب آورد؛ میتواند به عنوان مدرکی برای نسل جوان که سرمایه های کشور ما هستند ارائه گردد

مبارزات، رشادت ها و فداکاریهای نیاکان مان راه رهایی و آزادی را بر ما روشن تر از قبل نموده است زیرا آنها در مقابل تجاوزات اشغالگرانه تورانیان، ایرانیان، یونانیان، اموی ها، عباسی ها، انگلیس ها و روس ها تا آخرین رمق حیات رزمیدند و هرگز تن به خفت و خواری و اسارت و ذلت نداده اند

اینک نوبت ماست هموطن!

مام وطن قسم!

باتشکر از خواهر عزیزما کامله جان

سرهای خمیده ایم چون سر نمیدهیم

این خاک، خاک ماست گیریم نیست زر

سرباز میهنیم، آزادی عشق ماست

فرزند میهنیم، مام وطن قسم

وقتیکه سر دهیم سنگر نمیدهیم

این خاک را به کس دیگر نمیدهیم

دلالت را دیگر عسکر نمیدهیم

نفرین به دالرش، مادر نمیدهیم

حالا از خانم ویدی جان تقاضا نمودیم که تشریف آورده و مقاله تهیه دیده خویش را خدمت تان تقدیم نمایند تا آمدن شان تشویق فرمائید

بیست و هشتم اسد

سالروز استرداد استقلال افغانستان را گرامی میداریم

مستعمراتی به حالت نیمه مستعمره تبدیل گردید و سلطه اقتصادی کشورهای امپریالیستی در افغانستان باقی ماند بعد از سال ۱۹۵۵ میلادی افغانستان میدان رقابت میان امپریالیستهای غربی به رهبری امپریالیزم امریکا و سوسیال امپریالیزم شوروی گردید این رقابت و کشمکش سبب شد که سوسیال امپریالیزم شوروی با مداخله مستقیم و تجاوز آشکار خویش حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به مسند قدرت رساند و در ۶ جدي ۱۳۵۸ شاه شجاع دوم یعنی ببرک کارمل را بر چوکی دست نشاندگی نشانند و با ۱۵۰ هزار ارتش

نود و سومین سالروز استرداد استقلال افغانستان از استعمارگران انگلیسی را گرامی داشته و یاد جانباختگان ۲۸ اسد ۱۲۹۸ هجری شمسی را گرامی میداریم

بیست و هشتم اسد روزی است که مردم سلحشور و آزاده افغانستان پوزه استعمارگران انگلیسی را به زمین مالیدند و سلطه شوم شانرا از این سرزمین برچیدند و استقلال سیاسی افغانستان را بدست آوردند

گرچه سلطه مستقیم استعمارگران از افغانستان برچیده شد، اما کشور از حالت

تا به دندان مسلح کشور را به مستعمره خویش درآورد

مقاومت مسلحانه مردم این مرزوبوم شرایط را چنان بر اشغالگران روسی تنگ نمود که راه دیگری جز بیرون شدن از افغانستان را نتوانستند جستجو نمایند. احزاب جهادی که تحت حمایت مستقیم امپریالیستهای غربی و مرجعین منطقه قرار داشتند بعد از سقوط رژیم وابسته به شوروی بر مسند قدرت تکیه زدند از آنجائیکه هر کدام شان سوگند وفاداری به یکی از کشورهای امپریالیستی و ارجاعی بسته بودند بخاطر خوشخدمتی به باداران خویش افغانستان را به جهنمی برای مردمان این سرزمین تبدیل نمودند. شکل جنگ تغییر نمود اما محتوایش یعنی رقابت میان امپریالیستهای غربی و امپریالیزم شوروی به حال خود باقی ماند. با ظهور طالبان حالت کاملاً دگرگون شد و نیروهای وابسته به امپریالیزم روس از صحنه اخراج گردیدند.

امپریالیستهای غربی به رهبری امپریالیزم

امریکا که خواب تسلط بر خاورمیانه و آسیای میانه را میدیدند زمینه را طوری مساعد ساختند که زیر شعارهای کاذبانه " مبارزه علیه تروریسم " و " آزادی زنان " از قید اسارت طالبان در هفتم اکتبر سال ۲۰۰۱ میلادی بطور مستقیم افغانستان را مورد حملات وحشیانه خویش قرار دهند و در طی دوماه بمباران و راکت باران ولایات مختلف کشور هزاران نفر به شمول زنان، مردان و کودکان را به خاک خون کشند و هزاران زخمی و معلول بجای گذارند این حمله وحشیانه امپریالیستها به سرکردگی امپریالیزم امریکا زمانی صورت گرفت که خلق ستمدیده افغانستان نه تنها باربرد و ویرانی بیکران ناشی از تجاوز بیشرمانه سوسیال امپریالیزم شوروی و جنگ خانمانسوز احزاب ارجاعی وابسته اسلامی را بدوش میکشید، بلکه خشکسالی متواتر و قحطی ناشی از آن حیات ملیونها انسان را تهدید مینمود.

این حملات وحشیانه امپریالیستها منجر به تلفات گسترده جانی و مالی توده های ستمدیده افغانستان گردید

امپریالیستها با این اعمال وحشیانه خویش فقط سلطه استعماری خویش را بر مردمان این سرزمین ختمیل نموده و افغانستان را به مستعمره تمام عیار خویش تبدیل نمودند

امروز امریکا برای هیچکس جای شکی باقی نگذاشته گه هر آن و لحظه ایکه لازم به بیند برای رسیدن به مقاصد شومش از سلاح های کشتار جمعی استفاده خواهد نمود چنانچه در ولایت فراه از فاسفورس سفید استفاده نمود امریکا با این حرکات وحشیانه خویش میخواهد که از فروپاشی جهانی امریکا و حتی بحرانهای داخل امریکا جلوگیری کند. همان بحرانهای لاعلاجی که دامن شوروی را گرفت و منجر به فروپاشی آن گردید بحرانهایی که امروز دامنگیر امپریالیزم گردیده فقط و فقط با انقلاب علاج پذیراست

قیام های توده ها در لیبیا، یمن، سوریه، اردن، مصر، تونس، عراق و افغانستان بیانگر آنست که امپریالیستها دیگر

نمی توانند سیادت سرمایه داری خویش را مانند سابق به پیش برند توده ها دریافته اند که کنار آمدن با امپریالیستها سبب فقر و بد بختی بیشتر شان میگردد

در چنین شرایطی وظایف و رسالت نیروهای انقلابی است تا توده ها را در جهت درست و صحیح آن رهبری نموده و متشکل نمایند تا توده ها بتوانند با قاطعیت علیه اشغالگران امپریالیستی و نوکران میهن فروش آن برزمنند بدون تشکل و رهبری صحیح توده ها ساختن جامعه عاری از استثمار غیر ممکن است برای ایجاد جامعه ای عاری از هرگونه ستم و استثمار باید که بین توده ها رفت و متشکل شان نمود

مرگ بر اشغالگران و نوکران حلقه بگوش شان

سپاس فراوان از خانم ویدا !

بدون تشکل ورهبري صحيح توده ها ساختن جامعه اي عاري از استثمار غيرممکن است. براي ايجاد جامعه اي عاري از هرگونه ستم و استثمار بايد که توده ها را متشکل نموده تانپروهائ اشغالگر را از کشور خارج نموده و رژيم پوشالي را به زير بکشند

در اين قسمت از محفل از گروه سرود تقاضا ميکنيم که ترانه زيباي پشتوي شانرا به سمع شما برسانند تا آمدن شان تشويق فرمائيد

لمري سرود:

نن چه د وطن په آزادي نه قرانيرمه
خه په دي خواني وكرم له خانه مي شرميرمه

دا نيغه شمله كره وږه او دا فيشن زما
دا د بل په لاس كي د بابا بنكلي چمن زما

خلكو منصفان شي مرگ بهتر به وي كه ژوند زما
يا خو شرم نشته يا خوزه پي نه شرميرمه

يا خو زما سر د آزادي په لار قربان به شي
يا د پرگنو په لاس آزاد افغانستان به شي

براي اينكه روشنفكران بتوانند با توده ها درآمیزند ، زمان لازم است زمان براي اينكه آنها وتوده ها يكديگر را متقابلا بشناسند . اين روند يقين است كه بدون رنج و برخورد زياد طي نمي شود . ولي اگر شما كاملا مصمم باشيد به مقصود خواهيد رسيد .

نظامي دست زده است و با قدرمنشي تمام حرف هاي خود را از طريق حملات هوائي بيان ميدارد.

امپرياليزم امريكا با تجاوزات آشكار خود علنارهيبري باند هاي خائن و ميهن فروش را در افغانستان به دست گرفته و در ابعاد اقتصادي، نظامي و سياسي فعاليت گسترده اي را براه انداخته و براي حفظ منافع اقتصادي و تحكيم مواضع سياسي بطور درازمدت در افغانستان " توافقنامه استراتيژيك" با ميهن فروشان را به امضا رسانده است. اين باند هاي خائن كه حامي منافع بورژوا - فنودال كمپرادور ميباشند در چاكري و غلامي دست شاه شجاع و ببرك كارمل را از پشت بسته اند. اينها در خدمت مستقيم امپرياليستها به رهيبري امپرياليزم امريكا قرار دارند و افغانستان را بطور درازمدت به امپرياليزم امريكا فروخته اند. بيش از سه دهه جنگ در افغانستان اقليت كوچكي از چاكران امپرياليزم را بوجود آورد كه قدرت سياسي را در دست دارند.

از نظر امپرياليستها ثبات و امنيت در منطقه، به معني حضور گسترده خودشان براي حفظ و حراست از منافع شان در منطقه ميباشد. امپرياليستها براي جلوه دادن حضور خود در مناطق مورد نظرشان عوامل بي ثباتي را كه جز خود آنها و وابستگان شان كس ديگري نيست بهانه قرار داده و براي تحكيم منافع خود در منطقه دست به تجاوز و مداخله در كشورها مي زنند.

بطور خلاصه " امپرياليزم يعني جنگ ". بنا به اين تعريف امپرياليزم بنياد تروريزم است و تروريزم ماهيت امپرياليزم را بخوبي در معرض نمايش

ميگذارد. نابودي تروريزم بدون نابودي امپرياليزم امكان پذير نيست. امپرياليزم بدون اين مولود كثيف و ناپاك نمي تواند به هستي خود ادامه دهد. به معني حقيقي آن امپرياليزم فقر و بدبختي، ارتجاع و جنگ را ميرساند. بحرانهاي درون امپرياليزم بوضوح نشان ميدهد كه كلماتي مانند رفاه، صلح، دموكراسي و حقوق بشر بيشتر از همه كلماتي گرديده اند كه فقط و فقط يك مفهوم متضاد را ميرساند.

جنگ تحميلي و تجاوزكارانه ايكه از طرف امپرياليستها به رهيبري امپرياليزم امريكا در افغانستان براه افتاده است در خدمت منافع استعمارگرانه قراردادشته و براي تحكيم قدرت استعماري و حفظ منافع امپرياليستها و وابستگان بومي آنها است. امپرياليستهاي اشغالگر ميخواهند مناسبات فرسوده موجود در افغانستان را سرپا نگهدارند و در اين راستا از كهنه ترين و استعماري ترين فرهنگ و ايدئولوژي استفاده مي كنند تا ذهنيت توده ها را تحميق نموده و زحمتكشان را از فهم و درك ايدئولوژي مترقي و انقلابي دورنگهدارند. به زعم خود شان مي خواهند با براه انداختن جنگ تحميلي و به كرسي نشاندن دست نشانندگان شان به بحرانهاي لاعلاجي كه دامنگيرشان گرديده خاتمه دهند. اما بحرانهايي كه همين اكنون دامنگير امپرياليستها گرديده از طريق امضا چنين " توافقنامه " ها هرگز حل نخواهد شد. راه حل اين بحران فقط از طريق انقلاب است و بس.

سحر

باتشکر از اسما جان

بشکنید ویران کنید دیوار استبداد را

برکنید از بیخ و بن گهنامه بیداد را

پاگذارید برجبین خادم بیدادگر

فاش سازید خدعه ونیرنگ هر شیاد را

آتش اندازید بکاخ ظلم ببرکاغذین

برزمین آرید، قهرآ باره شداد را

در این قسمت محفل خواهر عزیزما حماسه جان دکلمه دارند که به سمع شما میرسانند تا آمدن شان تشویق نمایند.



انقلاب

قصه باران و گل تا کی کنیم؟

رقص پیش هر دهل تا کی کنیم؟

ابرها در اوج مستی خسته شد

در به روی شادمانی بسته شد

آنچه میگفتند ما را، پند بود؟

پند هرگز نه! فقط ترفند بود

آنچه گل پنداشتیم آن خار بود

دستگیران دست هاشان مار بود

دست گلچینان به کار چیدن است

مارها آماده بلعیدن است

آسمان از ابرها خالی شده

ملک ما دکان بقالی شده

شاخه ها خشکیده و بی برگ شد

شاخه ها شد دار و بارش مرگ شد

ارتش مور و ملخ گشته بسیج
 آسمان از پر زدن ها گشته گیج
 ابرها در آسمان خاکی شده
 سرو ها معتاد و تریاکی شده
 کره ها قربانی ی بی باکی است
 بره از پستان مادر شاکی است
 سرزمین سبزمان اشغال شد
 آنکه رهبر بود خود دلال شد
 بعد ازین دستان ما و بیل و داس
 پیش هر نامرد تا کی التماس؟
 پشت خان و بیل دهقان را گرفت
 گفت خرمن میدهد، نان را گرفت
 صبح اگر آمد نوازش ها نمود
 شامگاهان آمد و جان را گرفت
 گفت باید رمه ها را پاس داشت
 گرگ را آزاد و چوپان را گرفت
 کشت را میگفت باید آب داد
 خاک بادش راه باران را گرفت
 گفت ما را غله ارزانی کند
 هر چه را ما داشتیم آنرا گرفت

قصه باران و گل تا کی کنیم؟
 رقص پیش هر دهل تا کی کنیم؟
 بعد ازین دستان ما و بیل و داس
 پیش هر نامرد تا کی التماس؟

یا وطن، در دست ما باشد وطن
 یا که دیگر، سر نباشد روی تن

آی آتش! رو به خاموشی مرو
با زبان شعله ها باشی مرو!
هر که در جا ماند او نابود شد
شعله گر خاموش شد، او دود شد
شعله خاموش خاکستر دهد
نغمه را با مرگ یکجا سردهد
آب طغیان کرد و یک سیلاب شد
آب در جا ماند و یک مرداب شد
جنگ های خصم جز نیرنگ نیست
گرچه ما را هیچ ترس از جنگ نیست
تا نباشد جنگ آزادی کجاست؟
تا خرابی نبود آبادی کجاست؟
سنگ سنگ میهن ما سنگر است
غافل از این، خصم ما خوشباور است
وای بر حالت اگر برخاستیم
روی در روی تو صف آراستیم
گرچه فکرت کمتر از ابلیس نیست
روزگارت بهتر از انگلیس نیست
روزگاری او به جای تو نشست
مانده در یادش هنوز آن ضرب شست
آنکه در قدرت نظیرش کس نبود
خورد او از سنگ و چوب ما شکست
بسته بود زنجیر در نصف جهان
عاقبت زنجیر او از هم گسست
خرس آمد روزی از قطب شمال
زور دید و ماند دستش روی دست
گم شو از اینجا و مغروری مکن
زندگی دارد چنین بالا و پست

قصه باران و گل تا کی کنیم؟
 رقص پیش هر دهل تا کی کنیم؟
 بعد ازین داستان ما و بیل و داس
 پیش هر نامرد تا کی التماس؟

آی مردم! آستین بالا کنیم!
 خصم را از این زمین بالا کنیم
 آی مردم! تا به کی این ظلم و جبر!
 بشکنیم این کاسه ی ننگین صبر
 بشکنیم این کاسه بد رنگ را
 سنگ برداریم مردم سنگ را!
 سنگ برداریم دشمن را به فرق
 گم کند راه فرار از غرب و شرق
 قصه حماسه از نو سرکنیم
 باز یک حماسه دیگر کنیم
 تا به آزادی نخواهیم هیچ کس
 برکنیم از بیخ بنیاد قفس
 تا به کی این گریه و زانوی غم
 تا به کی ما التماس آنها ستم
 آی مردم، میرسد از ره شعف
 میرسد آزادگی با چنگ و دف
 آی مردم، دشمنان گم میشود
 بار دیگر سبز گندم میشود
 مرگ باشد ننگ مان زیر لحاف
 وقتی سگ با گرگ دارد ائتلاف
 درب های بسته را تک تک کنیم
 روی حرف پهره داران شک کنیم

آی مردم قصه را کمتر کنیم
 گور ما را کنده ما سنگر کنیم
 گرگ صحرا دمبه با چوپان خورد
 هرچه گرگش داد چوپان آن خورد
 سگ به نان گرگ عادت کرده است
 گرگ و چوپان رمه غارت کرده است
 مرگ بر سگ ها و بر چوپان بد
 آی مردم مرگ بر یاران بد
 زنده بادا شعله های آفتاب
 آی مردم زنده بادا انقلاب
 زنده بادا توده ها و شعر ناب
 زنده بادا انقلاب و انقلاب



با تشکر از خواهر عزیز ما حماسه جان

توشاهینی قفس بشکن به پرواز آی و مستی کن

که برآزادگان داغ اسارت سخت ننگین است

مگر ای کارگر ای پور رنج آخر نمیدانی

تلاش زندگی در کارزار مرگ شیرین است

در این قسمت از محفل از گروه سرود تقاضا نمودیم که تا آخرین سرود خویش را خدمت تان تقدیم نمایند. تا
 آمدن شان تشویق نمائید.



سرود دوم

سرود دری

برخیز که دشمن به دیار آمده امروز
 ای شیر دلان وقت شکار آمده امروز
 برخیز که از دشمن آشفته پیرسیم
 بر خاک دلیران به چی کار آمده امروز

گردد. رژیم پوشالی و دست نشانده یقینا که این دوره را تمدید مینماید، مگر اینکه مقاومت سلحشورانه توده ها شرایط را بر آنها آنقدر سخت نماید که دیگر امریکا حاضر به تمدید موافقتنامه برای یکدوره دیگر نگردد. امضای این سند بردگی افغانستان، از یکطرف به معنی حقیقی آن تمدید جنگ های تحمیلی اشغالگرانه امپریالیستها در افغانستان بوده و بی ثباتی شدید امنیتی را در افغانستان و منطقه دامن میزند و از طرف دیگر ادامه مقاومت و مبارزه علیه آنها میباشد. علت اساسی نا آرامی ها در افغانستان موجودیت اشغالگران به رهبری امپریالیزم امریکا است. اشغالگران تحت هر نامی که بخواهند افغانستان را در اشغال خود نگهدارند به همان اندازه افغانستان و منطقه بی ثبات خواهد بود و آتش جنگ روز به روز بیشتر زبانه خواهد کشید.

این سند بار دیگر نشان داد که اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا قصد دارند که بطور دراز مدت این کشور را در اشغال خویش نگهدارند. آنها به این سادگی از افغانستان بیرون نخواهند رفت، مگر با مقاومت دلیرانه توده های زحمتکش. بنابراین مردم زحمتکش این دیار چاره ای ندارند مگر مقاومت و مبارزه علیه سلطه شوم استعمارگران امپریالیست. این مقاومت و مبارزه سخت و طولانی خواهد بود. تاریخ افغانستان به خوبی ثابت نموده که مقاومت سلحشورانه توده های زحمتکش در نهایت منجر به شکست افتضاح آمیز اشغالگران گردیده است. این بار هم بیرون کشیدن امپریالیستهای اشغالگر در راس آن ها امپریالیزم امریکا از طریق مقاومت توده های زحمتکش افغانستان امکان پذیر است. برای اینکه دیگر نیروهای مرتجع و میهن فروش نتوانند سلطه شوم خویش را بعد از بیرون راندن اشغالگران بر توده ها تحمیل نمایند، باید روی پیشبرد هر چه اصولی تر مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و خائنین ملی کشور پا فشاری نماییم.

پیروز باد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی در افغانستان!

مرگ بر اشغالگران!

مرگ بر میهن فروشان!

این نکته خوبی ثابت گردیده که اشغالگران کنونی نیز هیچگاه حاضر نیستند ارتش های خویش را از این کشور بیرون کنند، بلکه بفکر حضور دراز مدت خویش در این کشور اند. از مدت ها به این طرف امپریالیزم امریکا با رژیم پوشالی بحث "توافقنامه استراتژیک" میان افغانستان و امریکا را پیش میبرد. سر انجام رژیم پوشالی به این ندا لبیک گفته "لویه جرگه عنعنوی" را از مردمان میهن فروش و بی اراده تشکیل داد و موافقت شان را برای امضای این توافقنامه ننگین بدست آورد.

رژیم پوشالی بالاخره در روز یکشنبه سوم ثور ۱۳۹۱ پیش نویس موافقتنامه "پیمان استراتژیک" میان دو کشور را از طرف رایان کراکر سفیر امریکا مقیم کابل و رنگین داد فر اسپنتا مشاور عالی امنیت ملی رژیم دست نشانده آماده و به امضا رساند. امضا این موافقتنامه گام دیگری است در راستای خیانت آشکار ملی که از طرف رنگین داد فر اسپنتا و رژیم پوشالی برداشته شده است. این سند آماده شده توسط رایان کراکر و اسپنتا توسط اوباما و کرزی در نیمه شب ۱۳ ثور ۱۳۹۱ به امضا رسید. همانطوریکه اوباما در تاریکی شب به افغانستان آمد، در همان شب و همان تاریکی افغانستان را ترک گفت. امضای این سند کاملاً به معنای بردگی و میهن فروشی است.

این سند امضا شده زمینه ساز توافقنامه های دیگری است میان کرزی و اوباما که چگونگی حضور دائمی نیروهای اشغالگر امریکائی را در داخل افغانستان تأیید و تثبیت مینماید. چنانچه هر دو طرف توافق کرده اند که یکسال بعد از اجرای این سند، توافقنامه دیگری در مورد مدت زمان حضور نیروهای امریکائی در افغانستان میان دو کشور به امضا برسد. سند امضا شده توسط اوباما و کرزی تا سال ۲۰۲۴ میلادی اعتبار دارد. در "بخش هفتم احکام نهایی" سند متذکره قید گردیده که:

« طرفین میتوانند با موافقت کتبی مشترک، شش ماه قبل از تاریخ انقضاء، این موافقتنامه را برای یک دوره دیگر طبق توافق قبلی تمدید نمایند. »

این بدان معنی است که "توافقنامه" میتواند برای یک دوره ده ساله دیگر یعنی از ۲۰۲۴ تا ۲۰۳۴ تمدید

باتشکرازخواهر عزیز ما ویژه جان

بلی امضای "توافقتنامه پیمان استراتژیک" گام دیگر است در راستای خیانت آشکار ملی که از طرف رنگین دادفر اسپنتا و رژیم پوشالی برداشته شده است. این سند آماده شده توسط رایان کراکر و اسپنتا توسط اوپاما وکرزی در نیمه شب ۱۳ ثور ۱۳۹۱ به امضاء رسید. همانطوریکه اوپاما در تاریکی شب به افغانستان آمد در همان شب و همان تاریکی افغانستان را ترک گفت. امضای این سند به معنی کامل بردگی و میهن فروشی است.

درین قسمت از محفل از سیروس جان تقاضا نمودم تا شعری را که تهیه دیده اند به سمع شما برسانند. تا آمدن شان تشویق فرمایید.



" بیا تا باز برخیزیم ! "

سلام ای قهرمان صحنه پیکار، ای رزمنده و بیدار

که با فریاد هرتیری

بر آری ناله ها از نای هر خونخوار وحشیگر

××××

الا ای قهرمان صحنه پیکار، ای رزمنده جاوید

بگوش جان و دل بشنو

صدای گریه های مادری را

که خون گرم فرزند عزیزش، کرده رنگین دشت و صحرا را

به پاس انتقام از آن

بگیرخنجر

سکوت جبر را بشکن!

سر زنجیر هر خائن

که چون قلاده ای بر پای هر انسان گره خورده

به زور ضربت شمشیر

به پاس انتقام خود، سر زنجیر را بشکن!

××××

الا ای قهرمان صحنه پیکار،

تو ای رزمنده و هوشیار
 که با فریاد هر تیری
 بر آری ناله ها از نای هر خونخوار وحشیگر
 به گوش جان و دل بشنو
 حدیث تلخ تنهائی
 که تنهائی نباشد چاره درمان
 نباشد درد را درمان
 نباشد راه هر انسان
 که میخواهد وطن از بهر استقلال و آزادی!

××××

بیا تا باز برخیزیم
 بیا تا باز بشناویم
 بیا تا چاره درد مصیب را بیاندیشیم
 بیا با هم -
 به آهنگ صدای توده ها گردیم همسنگر
 و آن آهنگ و تصویر حقایق را به فکر خود دهیم پهنا

××××

بیا تا باز برخیزیم
 بگیریم در کف خود از برای کسب استقلال و آزادی
 شمشیر حقایق را
 کنیم آباد
 جهانی تازه ای با طرح نو از نو بنا سازیم
 به دست خود به پیرائیم
 هزاران گلشن گلهای نو رسته
 بیا تا باز برخیزیم

به پاس احترام خون فرزندان این خطه
 به پاس احترام آن شهیدان به خون خفته
 به پاس مادری کز دیدن فرزند خود گردیده است محروم
 به پاس آن زن رزمنده و دخت دلیر و قهرمان خلق
 به پاس کارگر، آن برزیگر، آن توده مظلوم
 که شب با دست خالی می کند آهنگ کاشانه
 بگیریم در کف خود از برای کسب استقلال و آزادی
 شمشیر حقایق را!
 بگیریم در کف خود از برای کسب استقلال و آزادی
 شمشیر حقایق را!



با تشکر از سیروس جان

حذر کن که صبح سحر میرسد	سحر با سپاه و ظفر میرسد
مپندار دنیا به کام تو شد	خبر باش، زنگ خطر میرسد
ز نیروی نسل سپیدار پیر	پیر جولان را ثمر میرسد
ور امروز نامد مپندار رفت	کمی دیرتر، دیرتر میرسد

در این قسمت از محفل از دوشیزه خالده جان تقاضا نمودیم تا شعری را که تهیه دیده اند به سمع شما برسانند تا آمدنش تشویق فرمائید.



ته مانشی ورکولی

په تانکونو په بمونو به می ړنگ کی کور او کلی
 په ایرو به می بدل کری د غمو درمندونه

په آسونو به غوبل کری هدیره می د نیکونو
 د ما بنام په تناره کی به می پری نږدی اورونه

په گودر به می د نجونو مکیزونه خوانی مرگ کری
 په ناوړین به می بدل کری د مینو سلامونه

زلمی ورور به می شهید کری په بنکاره په لویه لاره
بودی مور به می ستی کری په تورتم کی د ویرونو

د خوانی د گلو لښته به می مراوی کی په جیل کی
پخپل سر به می تورن کی په ناخوانو تهمتونو

په انسان می دی قسم وی ای دښمنه د انسان
ته انسان نشی ترلی په زندان په زولنو

ته د شگو ودانی یی هره ورخ پسی نریزی
زه بنست یم تینگ ولاړ یم هره ورخ پسی تینگیرم

لا به تا خپله ستړیا نه وی ایستلی
چی لمسی به می اوچت درته ولاړ وی

ډک توک په لاس نیولی
ته به خنگه را ته تم شی ستا نیکه می خغولی

خالده



باتشکر ازخواهر ما خالده جان

که دارد روح آزادی و از زنجیر بگریختن

چگونه زندگی کردن ز آهوان آموختن

بسوی آسمانها پر زدن با باد جنگیدن

چگونه زیستن را از عقابان بلند پرواز

نباید در پناه بید و زیر سایه پوسیدن

بباید سروگونه همت ایستادگی داشتن

خس و خاشاک را از روی گیتی پاک برچیدن

ز خشم و قهر چون فریاد توفان در دل دریا

در این قسمت از محفل خواهر ما فروغ جان قطعه نامه "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" رابه سمع شما می رساند.

ایشان را تشویق فرمائید.

قطعه نامه

وطن دار دلیر من بنام چشم مست را

وطن در انتظار بازوی کشور گشای توست

حضار گرامی! ما در حالی سالروز استرداد استقلال افغانستان را جلیل مینمائیم که افغانستان یک بار دیگر توسط امپریالست های اشغالگر به رهبری امپریالیزم امریکا اشغال گردیده و مردم آن تحت انقیاد اشغالگران زندگی را سپری مینمایند

پیش از ده سال است که زحمتکشان کشور اعم از زن و مرد زندگی ذلتباری را سپری مینمایند امپریالست های اشغالگر با شعار های کاذبانه " حقوق بشر"، " آزادی زنان"، "دموکراسی" و "مبارزه علیه تروریسم" هستی مردمان این کشور را تاراج نموده و غرور ملی وهویت ملی شان را از ایشان سلب نموده اند علاوه بر این بیدادگری ها، خشونت علیه زنان به رایج ترین وعام ترین خشونت تبدیل گردیده است، چنانچه گراف خشونت علیه زنان سال به سال بالا رفته و می رود

در شرایط کنونی اشغالگرانه امپریالستها، نه تنها زندگی کارگران، دهقانان، اهل کسبه و در افغانستان وخیم تر گردیده، بلکه تجاوز به زنان، قتل های ناموسی، اختطاف، فساد مالی و اخلاقی، اعتیاد به مواد مخدر و پخش وتوضیح مواد مخدر بالاترین گراف را در سطح جهان نشان میدهد

دسته هشت مارچ زنان افغانستان یک بار دیگر بر طرح پیشنهادی ای که در محفل گذشته خود بیان داشت، پافشاری مینماید و تعهد می سپارد که تا تحقق کامل آن از پای نخواهد نشست

۱ اخراج بدون قید و شرط قوای اشغالگر از افغانستان

۲ کسب استقلال کشور بدون اخراج قوای اشغالگر غیر ممکن است

۳ مبارزه علیه تروریسم و آزادی زنان همه بهانه ها و روپوش هایی برای تجاوز به کشور و اشغال آن است به این اساس باید دست متجاوزین و اشغالگران، تحت هر نام و بهانه ای، از افغانستان کوتاه گردد

۴ آزادی عقیده و بیان حقوق انسانی هر فرد بوده و می باشد، ایجاد محدودیت و سرکوب آن تحت هر بهانه ای مجاز نیست و یک حرکت ضد انسانی شمرده میشود

۵ رژیم که به حمایت نیروهای اشغالگر خارجی به وجود آمده باشد فقط و فقط یک رژیم مزدور و مدافع نیروهای اشغالگر خارجی میتواند باشد، نه مدافع حقوق بشر و آزادی زنان

۶ ما خواهان تساوی کامل حقوق زنان و مردان در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هستیم

۷ ما خواهان لغو ازدواج های اجباری و همچنین لغو ازدواج صغیره میباشیم

۸ کلیه زحمتکشان کشور اعم از زنان و مردان و بخصوص کارگران و دهقانان در وضعیت بسیار وخیم قرار دارند باید به این وضعیت فلاکت بارشان خاتمه داده شود

۹ مبارزه ما علیه شوونیزم جنسی و ستم جنسی یک مبارزه مداوم است ما این مبارزه را به مثابه بخش ضروری و غیر قابل انصراف از کلیت مبارزه علیه اشکال گوناگون ستم و استثمار پیش خواهیم برد

۱۰ مبارزه علیه شوونیزم جنسی و ستم جنسی، با مبارزه در راه خروج قوای اشغالگر ارتباط عمیق و گسترده ای دارد

۱۱ ما خواهان تساوی کامل حقوق میان ملیت های مختلف کشور و لغو هرگونه امتیاز طلبی ملی میباشیم

به یقین کامل میتوان گفت که این خواست ها زمانی تحقق پیدا میکند که زنان مبارز دوشادوش مردان مبارز به پا خواسته و مبارزه خویش را علیه کلیت نظام ارجاعی حاکم و پوشالی دامن زده و تا بیرون راندن قوای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده برزمنند

زنده و جاویدان باد مبارزات برحق مردم علیه قوای اشغالگر و رژیم پوشالی!

به پیش در راه مقاومت ملی، مردمی و انقلابی!

مرگ بر اشغالگران!

مرگ بر میهن فروشان!

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

۲۸ اسد ۱۳۹۱



زندگی آخر سرآید بندگی در کار نیست

بندگی گر شرط باشد زندگی در کار نیست

آسمان را گو برو، بارندگی در کار نیست

با حقارت گر به بارد برسرت باران در

بهر آزادی جدل کن بندگی در کار نیست

زندگی آزادی انسان استقلال اوست

حضار نهایت گرامی :

با ابراز سپاس از اینکه در محفل امروزی ما شرکت نموده و آنرا صفا بخشیده اید. "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" آرزومند است که این حرکت دریچه ای باشد بسوی فردا بهتر.

محفل امروزی مادر اینجا به پایان میرسد. اگر باکمی و کاستی مواجه شدید، امیدواریم مارا به بخشید.

تشکر

تفنگ و جنگ

هر چه بگوئی، جنگ پایان نمیرسد

بازی رنگ رنگ پایان نمیرسد

راهی که پیش روست دراز است همتی!

با هر قدم درنگ پایان نمیرسد

مقالات رسیده به نبرد زن

تا وقتی در نظام تغییری نیاوریم
 این جنگ و این تفنگ پایان نمیرسد
 ما کوه زاده ایم، هر سنگ سنگر است
 با فتح یک دو سنگ پایان نمیرسد
 تا وقتی دست ما دور است از تفنگ
 مکاری فرنگ پایان نمیرسد
 وقتی که خلق ما بهر دفاع خیست
 این میهن قشنگ پایان نمیرسد
 تا وقتی توده ها فاتح نگشته اند
 دارم یقین که جنگ پایان نمیرسد

چگونگی به قدرت رسیدن حبیب الله بچه سقا

بعد از استرداد استقلال افغانستان در ۱۹۱۹ میلادی به رهبری شاه امان الله انگلیس ها امیدوار بودند که بتوانند بطور غیر مستقیم زمام امور کشور را بدست گیرند و امان الله را باز بچه دست خویش قرار دهند.

منازعات و تفرقه ها در جامعه بیدرنگ استفاده مینمایند. در حال حاضر ضرورت مبرم و درجه اول تامین وحدت مسلمانان و حصول آزادی هندوستان میباشد. تمنیات نیک و صمیمی خویش را به ملیونها هندی تقدیم داشته و پیروزی ایشان را خواهانم. از صمیمیت و احساسات قلبی که همیشه نسبت به من ابراز شده است ممنونم. امان الله» (افغانستان در سالهای ۲۰ و سی قرن بیستم صفحه ۱۱)

دعوت امان الله از مردم هند برای کسب استقلال شان سبب خشم انگلیس ها گردید و بالاخره توسط یکعده ملاحی اجیر و خود فروخته به تبلیغات فراوان علیه وی دست زده و سقوط وی را حتمی ساختند. خصلت نوکرمنشی یکعده

بعد از استقرار رژیم امانی در افغانستان، امان الله خان سفری به هند داشت. عمده ترین چیزیکه انگلیس ها را رنجانید تا دست به تحریکات علیه زمان الله بزنند، بیانات تند و تیز امان الله خان در ارتباط با آزادی هند بود. او به مردم هندوستان بیانات خود را چنین ابراز داشت:

« آزادی به هدیه داده نمیشود، بلکه باید آن را کسب کرد. من هراس ندارم از اینکه سرم یاتختم فداشود، دفاع و قناعت با چیزی کم برابر است با عقب روی. دشمنان از

ملایان خود فروخته، باعث تسلیم پذیری آنها در برابر انگلیس ها گردید. چنانچه بیشتر جوایس انگلیس در جریان حاکمیت هشتاد ساله انگلیس ها (۱۸۳۹ - ۱۹۱۹) در افغانستان از همین خود فروخته گان بود. اینهاعامل اصلی به قدرت رسیدن بچه سقا و سلطه دوباره انگلیس در افغانستان به شمار میروند.

حبیب الله بچه سقا بعد از به قدرت رسیدن سرگذشت سفر خود را چنین توضیح میدهد:

« من از ترس تعقیب امان الله با پسرهای مامای خود سکندر و سمندر در پیشاور رفته و چندی مشغول چای فروشی بودم و آنگاه در "توتکی" رفته دکان "سماوار" گشودم و همانجا بماندم تا موقع مراجعت به افغانستان رسید (اما از دزدی خود در پاراچنار و محکوم شدن به یازده ماه حبس سخن نگفت). در راه بازگشت به قسمت بریکوت رسیدیم، روز جمعه بود، به مسجد رفتیم. ملایی برمنبر وعظ جهاد با کفار مینمود و چون شام شد، من پیشش رفته و از وی دعای خیر خواستم. ملا به من دعا داد و گفت در خارج شدن از مسجد در راه خود درخت خواهید دید پای آن را بشکافید و هرچه یابید بردارید. من به چالاکی چنان کردم چهار تفنگ و کارتوس و یکهنزار روییه پول تقد یافتم و برداشتم و روان شدم. وقتیکه از لغمان به جانب کوهدامن میرفتم باز در راه به ملای دیگر برخوردیم که مرا دید و مرا به جهاد در برابر امان الله دعوت نمود. در ایام جشن پغمان، روزی که امان الله داخل تیاتر پغمان بود باز با ملای دیگر مقابل شدم که مرا به حکم دین اسلام به کشتن امان الله امر نمود. اما به جهتی که جشن مسلمانان

خراب نشود این کار را نکردم و به کوهدامن برگشتم. ملای دیگر مرا دید و فرمایش ملای پغمان را تکرار کرد. من به تگاو رفته و غلام محمد خان فرقه مشر تگاو (مامای معین السلطنه) و هم آخذ زاده صاحب تگاو (ملا حمیدالله خان) مرا خواستند و بدیدند و به کشتن امان الله راه بلدی کردند و هم بعضی خان های پروان را به کومک من نشان دادند. من هم عزم برانداختن او کرده به کابل حمله کردم. » (افغانستان در مسیر تاریخ صفحه ۸۱۶)

از توضیح سرگذشت بچه سقا مشخص میشود که امپریالیزم کهنه کار انگلیس با اجیر کردن یکعه از ملاها و تبلیغ فراوان بچه سقا را از پیشاور بداخل افغانستان میفرستند و در داخل کشور این حرکت آتقدر سازمان یافته است که قدم به قدم بچه سقا زیر نظر شان کار میکنند. بدین ترتیب نقش اساسی و واقعی خود را در برانداختن امان الله و حفظ و تثبیت منافع انگلیس ها به خوبی انجام میدهند. در اخیر تمام عملکردهای امان الله خان را خلاف شرع دانسته و بیعت مردم را از چنین شاه مردود و شرعاً ساقط دانسته و مستقیماً بیعت مردم را به بچه سقا اعلان داشتند. به این طریق امپریالیزم کهنه کار توسط مزدوران بومی خویش ذهنیت توده ها را تخریش نموده، زمینه سقوط امان الله خان را آماده ساخته و یک دزد را بر سرنوشت مردم حاکم گردانید. اما در نهایت انگلیس ها به این نوکر خود وفادار نماندند و زمینه را برای به قدرت رسیدن نوکر کاملاً سرسپرده خود یعنی نادرخان آماده ساختند و افغانستان به نیمه مستعمره خود تبدیل کردند.

دانش سیاسی انقلابی ما را از گمراهی نجات میدهد

خصوصیتی دارد. انسانی که دانش انقلابی دارد میداند که چگونه با قضا یا برخورد نماید و راه های مختلف مبارزه با رویداد ها و مشکلات را جستجو نماید. عدم دانش انقلابی و بیخبری از اوضاع جامعه و چگونگی تحولات اجتماعی باعث میشود تا مردم غریب مداوما توسط دشمنان شان فریب داده شده فدای اهداف شوم آنها گردند.

ما این وضعیت را در افغانستان بسیار به روشنی و صراحت مشاهده می کنیم.

این یک واقعیت است که هرچه ما در مسایل کشور خود بی اطلاع تر و بی تفاوت تر باشیم، به همان اندازه اشغالگران و رژیم پوشالی استفاده میبرند و توده ها را به دنبال خود میکشانند. این خواست اشغالگران و رژیم ارتجاعی است که توده ها را در تاریکی نگه داشته و مورد سوء استفاده قرار دهند، چنانچه در طول تاریخ با استفاده از این شیوه توانسته اند توده ها را زیر استثمار و ستم نگه داشته و از گرده شان تغذیه نمایند.

تا زمانی که در جهل و بیخبری بسر ببریم، اشغالگران و رژیم های ارتجاعی خواهند توانست نسل اندر نسل ما را غارت کنند، حقوق ما را پایمال نمایند و ما را در وضعیتی قرار دهند که حتی فرزندان ما در مقابل چشمان بی فروغ ما به علت فقر و عدم تداوی جان دهند. اما اگر درک و احساس داشته باشیم، درک و احساسی که ما را بیدار کند، خرافات را از وجود ما ریشه کن سازد و ما را فرد انقلابی و انسان شایسته بسازد، قادر خواهیم بود علیه دشمنان مان مبارزه نماییم و از زیر بار استثمار و ستم آنان نجات حاصل نماییم.

«اگر کسی بخواهد پیش برود و خصال انقلابی و تکنیک خود را ارتقا بخشد، لازم است که دو امر زیر را باهم جمع کند تا بتواند این وضع را تغییر دهد: آبدیده شدن در مبارزه پراتیکی و پرورش فکری. او باید علاوه بر مطالعه تجارب انقلابی تاریخ (پراتیک پیشینیان) شخصا در پراتیک انقلابی معاصر شرکت کند و در این پراتیک انقلابی، یعنی در مبارزه با عناصر رنگ وارنگ ضد انقلابی ابتکار ذهنی خود را رشد دهد و مساعی خود را در مطالعه و پرورش ذهنی مضاعف سازد.»

بباید دانش انقلابی خود را ارتقا داده و متحدانه علیه دسایس اشغالگران و رژیم پوشالی دست به دست هم دهیم و دیگر به نیروهای ارتجاعی اجازه ندهیم که مردم زحمتکش ما را زیر نام ها و شعارهای کاذبانه بفریبند.

من هم به نوبه خود یاد جانباختگانی که خون شان را در راه آزادی و استقلال کشور فدا نموده اند گرامی میدارم. متیقین هستم که مبارزات، فداکاری ها و جان نثاری نیاکان ما راهنمای عمل ما خواهد بود.

در طول تاریخ ما شاهد مبارزات و جنگهای خونین خلقهای تحت ستم افغانستان از ملیت های مختلف بوده و هستیم. زمانی انگلیس ها و سپس روس ها به تجاوزات ننگین خود بر این کشور ادامه داده و اینک اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا این کشور را به انقیاد خویش درآورده است.

امپریالیستهای غربی به رهبری امپریالیزم امریکا و سوسیال امپریالیزم شوروی همیشه زیر نام کمک و امداد، "آزادی" و "دموکراسی" به این کشور حمله نموده و توده های ستمدیده را در فقر و بدبختی نگهداشته و نگه میدارند. امروز به خوبی دیده میشود که اشغالگران امپریالیست فساد و عیاشی را به نام آزادی جا میزنند و هم ترور، اختتاف، قتل و بیماران کور خویش را زیر نام دموکراسی جلوه گر میسازند. تلاش می ورزند تا دانشگاه ها و مکاتب را از دانش سیاسی تهی سازند.

چرا اشغالگران آگاهانه این برنامه ها را پیاده میکنند؟ پاسخ آن روشن است. هر قدر که فساد و عیاشی در جامعه گسترده تر گردد و جوانان از درک دانش سیاسی انقلابی دور بمانند به همان اندازه اشغالگران بهتر میتوانند رژیم های پوشالی و دست نشاندگان را سرپا نگهدارند و چهره خائنه شان را بیپوشانند. در طول تاریخ مردم ستمدیده افغانستان آنقدر زیر فشار رژیم های ارتجاعی و رژیم های دست نشاندگان قرار گرفته اند که از درک تمام حقایق زندگی مادی و معنوی محروم مانده اند. مردم ما باید بدانند که زندگی شان چگونه است و چگونه باید باشد؟ آنها باید بدانند که معنی واقعی علم و دانش چیست، کدام دانش برای خلق و جامعه مفید است و چرا کشور شان همیشه مورد تجاوز ننگین اشغالگران قرار گرفته است، تا راه های حل درست مشکلات را بیابند. بدون دانستن نمیتوان علیه این همه مظالم به پاخاست و مبارزه نمود.

تا زمانی که ما دانش انقلابی را فراموش کنیم و آن را به توده انتقال ندهیم به صورت عموم پلان های شوم و نفرت آور امپریالیستها و عمال شان بالای ما عملی خواهد شد.

همان طوریکه یک بدن مریض و ضعیف به علت ناتوان بودن در مقابل میکروب ها قدرت مبارزه را از دست میدهند، زود به انواع امراض و حتی امراضی که لاعلاج شده و باعث هلاکت میشوند، دچار میگردند. جهل و بی دانشی در مورد اوضاع اجتماعی و مراحل مختلف تکامل جامعه نیز چنین

یاد جانباختگان ۲۸ اسد ۱۳۹۱ را گرامی میداریم

در عراق علاوه بر توده های زحمتکش که علیه اشغالگران به مخالفت برخاسته اند، القاعده نیز در جنگ مستقیماً شرکت دارد و روابط کردها با رژیم دست نشانده نیز به وخامت گرائیده است. با آنهم رژیم عراق به امریکائی ها در باره اعطای مصئونیت قانونی به قوای امریکایی جواب منفی داد. اما به یقین باید گفت که رژیم دست نشانده به سردمداری حامد کرزی به این ندای ننگین لبیک خواهد گفت و ثابت خواهد ساخت که در میهن فروشی و نوکر منشی بی همتا و بی مانند است.

امضای "توافقنامه استراتژیک..." به خوبی آشکار ساخت که امپریالیستهای اشغالگر به رهبری امپریالیزم امریکا نه بخاطر "تحقق دموکراسی"، "آزادی زنان از قید اسارت طالبان" و "مبارزه علیه تروریسم" به افغانستان یورش نیاورده، بلکه بخاطر تامین اهداف اشغالگران و غارتگران و تسلط بر آسیای میانه و خاورمیانه این کشور را به مستعمره خویش بدل نموده است. امپریالیزم امریکا از همان آوان ۷ اکتبر ۲۰۰۱ که به مثل گرگ وحشی به افغانستان هجوم آورد به فکر اهداف دراز مدت و تأسیس پایگاه های نظامی و حضور فزاینده خویش در افغانستان بوده است. تا از این طریق بقا و دوام رژیم دست نشانده را بر محور اصلی منافع غارتگران خویش حفظ نماید. تصویب قطعنامه ۷۶ ماده ای ۲۵ عقرب ۱۳۹۰ در جرگه عنعنوی کابل به خوبی بیانگر این مدعا است.

ما ضمن تقبیح امضا "توافقنامه استراتژیک" اعلام میداریم بر مواضع خود که همانا مقاومت ملی، مردمی و انقلابی است ثابت قدم بوده و هستیم.

امضای این سند و هرگونه سند دیگر میان اشغالگران و رژیم پوشالی را اقدام خائنانه و میهن فروشانه میدانیم. چنین معاهداتی هیچ نتیجه ای جز طولانی ساختن اشغال کشور و بی ثباتی و نا امنی کشور و منطقه را در پی نخواهد داشت.

مرگ بر اشغالگران امپریالیست!

مرگ بر خائنین و میهن فروشان!

شنبه ۲۸ اسد سال ۱۳۹۱ هجری شمسی مطابق است با نود و سومین سالروز استرداد استقلال افغانستان در ۲۸ اسد سال ۱۲۹۸ هجری شمسی. ما این روز را به خاطر سلحشوری و جانفشانی مردمان آزاده این کشور که پوزه امپریالیزم انگلیس را بزمین مالید و او را وادار ساخت تا استقلال سیاسی افغانستان را به رسمیت بشناسد، تجلیل نموده و یاد ملالی ها، میرمسجدی ها، عبدالله اچکزی ها و هزاران جانباخته دیگر را گرامی میداریم.

ما این روز را در حالی تجلیل می کنیم که رژیم پوشالی به سردمداری حامد کرزی و امپریالیزم امریکا به سردمداری اوباما سند بردگی افغانستان را امضاء نموده اند. ما این اقدام خائنانه و میهن فروشانه را به شدید ترین وجهی تقبیح نموده و اعلام میداریم که امضای این سند ننگین هیچ مشروعیت قانونی در نزد مردم سلحشور و زحمتکش این کشور نداشته و ندارد.

امضای این سند ننگین اثبات نمود که حامد کرزی و رژیم پوشالی اش فقط نوکری است که هیچ اختیاری از خود نداشته و ندارد. چنانچه در همان شبی که اوباما وارد کاخ ریاست جمهوری میشود، آقایان فهیم و خلیلی، معاونین ریاست جمهوری به پیشواز ارباب شان می شتابند، اما در داخل کاخ ریاست جمهوری هر دوی شان از طرف بادیگارد های اوباما بازرسی بدنی میگردند. اوباما با این عمل توهین آمیز به ایشان نشان داد که آنها انقدر حقیر و بیچاره اند که در داخل خانه خود اجازه ورود ندارند، مگر با دستور ارباب و آنهم با بازرسی بدنی. امضای این سند ننگین به خوبی بیانگر آنست که دست نشاندهگان رژیم پوشالی افغانستان حقیر تر، مزدور تر و میهن فروش تر از دست نشاندهگان عراقی اند.

رژیم پوشالی عراق در حالیکه دست پرورده و دست نشانده امپریالیزم امریکا است، هیچگاه حاضر نشد که با امضای "توافقنامه استراتژیک" میان امریکا و عراق، موجودیت پایگاه های نظامی دراز مدت قوای امریکایی در عراق را توأم با مصئونیت قانونی برای قوای امریکایی بپذیرد. به همین جهت امپریالیزم امریکا مجبور گردید تا نیروهای خود را از خاک عراق بیرون کشیده و در کویت مستقر نماید. در حالیکه نبرد علیه رژیم عراق شدید تر از افغانستان است.



برای تماس با نشریه :

Email:

nabardezan@gmail.com

آدرس وبلاگ:

www.nabardezan.persianblog.ir

نشریه نبرد زن از شماست ، امید در جهت
 پربار نمودن هر چه بیشتر نشریه با ما مکاتبه
 نمایید. نظرات، پیشنهادات و انتقادات
 خود را به ایمیل آدرس مکاتباتی فوق ارسال
 نمایید.

فهرست مطالب مندرج در این شماره : صفحه

۱۱. سرود دري ۱۹
۱۲. امضاء توافقنامه استراتژیک یک اقدام
 میهن فروشانه و خیانت ملی است ۲۰
۱۳. بیا تا باز برخیزیم (دکلمه) ۲۲
۱۴. ته ما نشی ورکولی (دپینتو دکلمه) ۲۴
۱۵. قطعنامه "دسته هشت مارچ"
 مقالات و اشعار رسیده به این شماره نبرد زن: ۲۶
۱۶. تفنگ و جنگ (شعر) ۲۷
۱۷. چگونگی به قدرت رسیدن حبیب الله بچه سقاء ۲۸
۱۸. دانش سیاسی انقلابی ما را از گمراهی نجات میدهد ۳۰
۱۹. یاد جانباختگان ۲۸ اسد ۱۲۹۸ را گرامی میداریم ۳۱